

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
طَيْبُ الْوَلَايَةِ فِي شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ
لِمَوْلَانَا، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
(27)

دوشنبه 01 07 1436؛ 31 01 1394؛ 20 04 2015

I. خطبه 75، فیض الاسلام

1. متن و ترجمه:

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى وَ دُعِيَ إِلَى رَشَادٍ فَدَنَا وَ أَخَذَ بِحُجْرَةٍ هَادٍ فَجَا رَاقِبَ رَبِّهِ وَ خَافَ ذَنْبَهُ فَدَمَّ خَالِصًا وَ عَمِلَ صَالِحًا اَلْكُتْسَبَ مَذْخُورًا وَ اجْتَنَّبَ مَذْخُورًا رَمَى غَرَضًا وَ اَحْرَزَ عَوْضًا كَابَرَ هَوَاهُ وَ كَذَّبَ مُنَاهُ جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ وَ النَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ رَكِبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ وَ لَزِمَ الْمَحَجَّةَ الْبَيْضَاءَ اغْتَنَّمَ الْمَهْلَ وَ بَادَرَ الْأَجَلَ وَ تَزَوَّدَ مِنَ الْعَمَلِ
 خدا رحمت کند کسی را که بشنود حکمی را و بپذیرد آن را. و خوانده شود به سوی رشد، و نزدیک آید. و بگیرد کمر بند هدایت‌گری را، و در نتیجه، نجات یابد، مراقب باشد پروردگار خود را، و بترسد از گناه خود، پیش فرستد خالصی را، و انجام دهد صالحی را، کسب نماید ذخیره‌ای را، و اجتناب ورزد از محذوری، بیافکند غرضی را، و فراهم آورد عوضی را، ستیز کند با هوای خود، و دروغ داند آرزوی خود را، قرار دهد صبر را مرکب نجات خود، و تقوا را توشه وفات خود، سوار گردد بر طریقت تابان، و ملازم باشد با راه روشنا، غنیمت شمرد مهلت را، و پیشی گیرد بر أجل، و توشه بگیرد از عمل.

II. شرح خطبه 75 (11)

1. وَ النَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ: و تقوا را توشه وفات خود.

2. تفسیری عرفانی از آیاتی قرآنی در باب تقوی: خدای تعالی فرماید، "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا" (3: 65: 2: الطلاق) (و کسی که تقوای خدا را پیشه کند، برایش راه نجاتی از گرفتاری‌ها قرار می‌دهد، و روزی داده می‌شود از حیثی که گمان نمی‌برد، و هر که توکل کند بر خدا، او بس باشدش، همانا خدا امر خویش را به انجام می‌رساند، خدا برای هر چیزی اندازه‌ای را قرار داده است.)
 مولی عبدالرزاق کاشانی در تفسیر این آیات چنین می‌فرماید

"وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ" (و هر که تقوی ورزد خدا را) به حسب مقتضای مقامش، و اجتناب کند از ذنب حالش، "يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا" (قرار دهد برای او گشایشی را) از ضیق‌های مقام و مکاسب به سوی سعه روح حال و مواهب؛ و کسی که تقوای او را پیشه سازد در معاصی‌اش، قرار می‌دهد برای او گشایشی از مضایق (تنگناهای) هیئات مظلم و عقوبات آتش‌های طبیعت، "و يَرْزُقْهُ" (روزی می‌دهد او را) ثواب بهشت نفس و انوار فضائل از عالم غیب "مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" (از جهتی که گمان نمی‌برد) به خاطر عدم آگاهی‌اش به آنها؛ و کسی تقوای او پیشه سازد در افعال نفس خویش، قرار می‌دهد برای او گشایشی به سوی مقام توکل، و رزق می‌دهد او را از تجلیات افعال "مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" (از جهتی که گمان نمی‌برد)؛ و کسی که تقوای او پیشه سازد در صفات نفس خویش، قرار می‌دهد برای او گشایشی به سوی مقام رضا، و رزق می‌دهد او روح البقین و ثمرات تجلیات صفات الهی در بهشت قلب "مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" (از جهتی که گمان نمی‌برد) به خاطر عدم شعورش بدانها؛ و کسی که تقوای او پیشه سازد در وجود خود و منزله [دارد خود را] از آن، قرار می‌دهد برای او گشایشی از تنگنای منیتش به سوی فراخنای وجود مطلق، و رزق می‌دهد او را وجود موهوب "مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" (از جهتی که گمان نمی‌برد)، که به خاطرش نیز خطور نمی‌کرد "وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ" (و هر که توکل کند بر خدا) با قطع نظر از وسائل و با انقطاع به سوی او از وسایط، "فَهُوَ حَسْبُهُ" (او بس باشد او را) کافی باشدش، برساندن به او آنچه را برای او تقدیر کرده است، و سوق دهد سوی او آنچه را قسمت کرده است به خاطر او از نصیب‌های دنیا و آخرت، "إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ" خدا به سرانجام می‌رساند آنچه را اراده فرموده است از امر خویش، نه مانعی در برابر باشد، و نه عانقی. پس، کسی که یقین داشته باشد به آن، نترسد از و امید نداشته باشد به هیچ کسی، و واگذار کند امر خود را به خدا و نجات یابد، "قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا" (خدا برای هر چیزی اندازه‌ای را قرار داده است)، یعنی

تعیین کرده است برای هر امری حدی معین و وقتی معین را در ازل، که افزون نمی‌شود با سعی ساعی، و کاسته نمی‌شود با منع مانع و تقصیر مقصر، و تأخیر نمی‌افتد از وقتش و پیشی نمی‌گیرد بر آن، و یقین دارنده به این، شاهد آن، متوکل است به حقیقت.

"وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ" (65:4 الطَّلَاق) (و هر که تقوی ورزد خدا را) در مراعات وقتش و اجتناب از ذنب حالش "يَجْعَلُ لَهُ" (قرار می‌دهد برای او) از امر سلوکش "يُسِّرَا" آسانی‌ای را، یعنی هنگامی که رعایت آداب مقام خود کند و اجتناب ورزد از ذنوب حالش در مواطن [دشواری‌ها]، آسان سازد برای او ترقی از آن را به آنچه برتر است. خلاصه مراتب مختلف تقوی و گشایش‌ها و رزق‌های متناسب با آن:

تقوای به حسب مقام با پرهیز از ذنب حال (به فرق بین مقام و حال توجه شود، نمونه‌ای از ذنب حال نفرین حضرت نوح علیه السلام بود) سبب خروج از ضیق مقام و مکاسب است به سوی سعه روح حال و مواهب. (موهبت هبه و هدیه بلاعوض است که مشروط به انجام عملی نیست) حافظ:

دولت آن است که بی خون دل آید به کنار و نه با سعی و عمل باغ جنان این همه نیست کسی که تقوای از معاصی را پیشه کند، خارج می‌شود از مضایق ملکات مظلم و عقوبات آتش طبیعت به سوی ثواب جنّت نفس و انوار فضائل از عالم غیب من حیث لا یحتسب ... مولانا:

چه خوش است زر خالص چه به آتش اندر آید
مگریز ای برادر تو ز شعله‌های آذر
به خدا تو را نسوزد رخ تو چو زر فروزد
تقوای در افعال نفس سبب خروج به مقام توکل و روزی از تجلیات افعال خداست من حیث لا یحتسب. حافظ:

فرق است از آب خضر که ظلمات جای او است
ما ابروی فقر و قناعت نمی‌بریم
تقوی در صفات نفسش سبب خروج به سوی مقام رضا و رزق از روح یقین ...
عاشقان را بر سر خود حکم نیست
هر چه فرمان تو باشد آن کنند
تقوی وجودش، که وجودی مستقل برای خود قائل نباشد، سبب دریافت وجود موهوب باقی است در بقاء بعد از فناء ...
و توکل بر خدا ندیدن اسباب و وسایط و افعال خود است. حافظ:

ساقیا می‌ده که با حکم ازل تدبیر نیست
حافظ ز خوبرویان بختت جز این قدر نیست
گر تیغ بارد در کوی آن ماه
آیین تقوا ما نیز دانیم
قابل تغییر نبود آنچه تعیین کرده‌اند
گر نیستت رضایی حکم قضا بگردان
گردن نهادیم الحکم لله
لیکن چه چاره با بخت گمراه